

طرح قانون اصول محاکمات جزائی

صحیح - چون در شماره پیش مجموعه حقوقی ماده ۲۹۹ با ماده ۳۰۰ تکرار شده بود در این شماره اولین ماده از ۳۰۶ شروع میشود خواهشمند است ماده ۳۰۰ را حذف و مواد ۳۰۲ تا ۳۰۶ که در مجموعه حقوقی شماره پیش نوشته شده است اصلاح نمایند.

ماده ۳۰۶ - خدمتگذاران دولتی و مأمورین بخدمات
 همگانی و آنهایی که در ماده ۳۱۸ تعیین شده اند باید اسناد
 و برگها و هر چیز دیگر را که بمناسبت خدمت یا مأموریت
 یا کار یا صنعت نزد آنهاست بمحض مطالبه مقام قضائی
 تسلیم کنند مگر آنکه کتباً ولو بدون ذکر دلیل اظهار کنند
 که مورد مطالبه از اسرار سیاسی یا نظامی یا از اسرار کار
 یا حرفه است.

ماده ۳۰۷ - مأمورین ثبت اسناد و دفاتر اسناد
 رسمی باید بمقتضای باز پرس دفاتر خود را با و نشان بدهند.
 ماده ۳۰۸ - دادرس میتواند رونوشت اسناد را برداشته
 اصول را مسترد کند که بحال توقیف بماند و هرگاه اصول را نگاه
 میدارد میتواند بمدير دفتر اجازه دهد رونوشت گواهی شده
 بکتابخانه اصول نزد آنها بوده مجاناً بدهد.

ماده ۳۰۹ - از برگها و نوشته های متهم فقط آنچه که
 راجع بیزه است توقیف و در باب سایر نوشته های متهم با
 کمال احتیاط رفتار میشود که مضمون آن ها افشا
 نکرده .

در صورتیکه این عذر موجه شمرده نشود چنانچه مربوط
 با امور سیاسی یا نظامی باشد بر طبق قسمت سوم ماده ۳۱۹
 اذن نام می شود و گرنه میتوان امر بتوقیف صادر کرد .

ماده ۳۱۰ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

ماده ۳۱۱ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

اگر دادرس نگاهداری در دفتر را غیر ممکن یا غیر
 مناسب بداند میتواند امر کند که محافظت در محل دیگری
 بعمل آید و در این صورت تعیین میکند بچه نحو و در کجا باید
 نگاهداشته شود و کسی را که از اشخاص مذکور در ماده
 ۳۱۳ نباشد برای نگاهداری آن معین میکند .

ماده ۳۱۲ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

در موقعیکه اشیاء توقیفی بمستحفظ سپرده می شود
 دادرس او را از وظیفه که راجع بحفظ و ارائه آنها دارد و
 همچنین از مجازاتهایی که قانون مجازات همگانی برای متخلفین
 از وظائف مستحفظی اشیاء توقیفی مقرر کرده آگاه میکند و
 میتواند او را بدادن ضامن نیز الزام کند .

ماده ۳۱۳ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

در صورت مجلس گذاشتن اشیاء در آن محل به مستحفظی
 آن شخص و آگاهی دادن دادرس راجع بوظائف و مجازاتها و
 الزام ضامن دادن قید می شود ضامن بموجب صورت مجلس جداگانه
 از مستحفظ گرفته میشود.

ماده ۳۱۴ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

ماده ۳۱۵ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

ماده ۳۱۶ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

در صورت لزوم از اسناد رونوشت و از چیزهاییکه
 ممکن است تغییر بآنها راه یابد یا نگاه داشتن آنها
 مشکل است عکس برداشته میشود یا بطریق دیگری صورتی از
 آنها تهیه میگردد .

ماده ۳۱۷ - اشیاء توقیف شده برای محافظت بمدير
 دفتر سپرده میشود.

رونوشت و عکس و غیره ضمیمه برگهای بازجوئی شده
و اصول اسناد در دفتر حفظ و راجع بخوداشیاء بر طبق مقررات
ماده پیش رفتار میشود .

اگر اشیاء توقیفی از چیزهایی است که ممکن است فاسد
شود دادرس بر حسب مورد امر بتبدیل آنها یا از بین
بردن آنها میدهد .

ماده ۳۱۲ - هرگاه برداشتن مهر برای انجام عملی
لازم شود دادرس آنرا مماینه و پس از اطمینان باینکه دست
نخورده مهر را بر میدارد و بعد از رفع احتیاج باز اشیاء
توقیفی مهر و در پهلوی مهر تاریخ گذاشته شده و امضاء
می شود .

ماده ۳۱۳ - هرگاه در جریان بازجوئی توقیف تمام
یا قسمتی از اشیائی که با بزه ارتباط داشته ممکن نشده باشد
بمحض آنکه ممکن شود در هر حال از دادرسی رئیس دادگاه
امر بتوقیف میدهد .

هرگاه حکم محکومیت قطعی شده امر توقیف آن اشیاء
با دادرس صلاحیت دار برای اجراء است هر چند مجازات
اجراء شده یا بنحو دیگر ساقط شده باشد .

مبحث پنجم

گواه

ماده ۳۱۴ - دادرس باید گواهی کسانی را که از امور
مورد بازجوئی اطلاع دارند و برای کشف حقیقت مفید
میدانند استماع نماید .

هرکسی اهلیت گواه شدن دارد و تشخیص اعتبار
آن با دادرس است .

با استثنای مواردیکه در قانون تعیین شده هیچکس نمیتواند
از گواهی دادن خودداری کند .

ماده ۳۱۵ - دادرس باید از هر پرسشی که شائبه
تلقین داشته یا بنحو دیگری بطبیعی بودن و سادگی پاسخ
اخلال نماید خودداری کند .

از گواه باید در موضوعات معینی پرسش شود .

دادرس نباید از گواه نظریات شخصی او را پرسش کرده
و یا بگذارد که اظهار نظر نماید مگر آنکه اظهار نظر و گواهی
قابل تفکیک نباشد .

دادرس نمیتواند کلاً نتر را بابر از اسامی اشخاصی که با او
اطلاعاتی داده اند الزام نماید .

اگر کلاً نتر معرفی کسانی را که اطلاعاتی داده اند
مقتضی نمی داند آن اطلاعات در صورت مجلس وارد
نمی شود .

ماده ۳۱۶ - هیچ گواهی را نمیتوان در رسیدگی
جزائی رد نمود .

ماده ۳۱۷ - زوج و زوجه و اولاد و اعقاب و برادر
و خواهر خود متهم یا یکی از شرکاء او در همان اتهام میتوانند
از گواهی خودداری کنند مگر اینکه اعلام کنند بزه
یا شاکی با مدعی خصوصی بوده یا بزه بر ضرریکی دیگر
از خویشان نامبرده خود متهم یا شرکاء او در همان اتهام
ارتکاب شده یا از طریق دیگری تکمیل و یا تحصیل مدرک بزه
یا کیفیات آن ممکن نباشد .

ماده ۳۱۸ - اشخاص زیر راجع با موری که بمناسبت
کارشان اطلاع یافته اند الزام بگواهی نمیشوند :

- ۱ - وکیل دادگستری و مدافع و سردفتر و دفتریار .
 - ۲ - پزشک و حراح و دراساز و قابله و امثال آنها
مگر در مواردیکه قانون آنها را به خبر دادن الزام کرده .
- هرگاه مقامی که مشغول رسیدگی است خود داری
این اشخاص را غیر موجه بداند آنان را الزام بگواهی
می نماید .

ماده ۳۱۹ - خدمتگذاران دولتی و مأمورین بخدمات
همگانی را هر چند در سر خدمت هم نباشند نمیتوان برای اموری که
بمناسبت کار خود اطلاع یافته اند و باید مخفی بماند بگواهی
الزام کرد .

از این اشخاص در مورد اسرار سیاسی یا نظامی

المنافع دیگری که ممکن است بامنیت کشور یا بمنافع
مطالبی داخلی یا خارجی کشور مضر باشد پرسش نمیشود.

۱۱۰ - اگر مقامی که مشغول رسیدگی است اظهار آنان را
در باب سری بودن مطلب موجه نشناخت بدادستان استناد
کنگزارش میدهد و وزیر دادگستری را مستحضر میکند
و در این مورد تعقیب جزائی منوط به اجازه وزیر
دادگستری است.

۱۱۱ - ماده ۳۲۰ - گواه بوسیله احضاریه که باید محتوی
مطلب ذیل باشد دعوت میشود:

۱ - مشخصات او.

۲ - روز و ساعت و محلی که باید در آنجا حاضر شود
و مقامی که باید نزد او حضور بهم رساند.

۳ - نتیجه تخلف از حضور.

ماده ۳۲۱ - دعوت گواه در صورت اقتضاء ممکن
است زبانی بعمل آید و خود او میتواند بدون دعوت حاضر
شود و در این صورت چنانچه دادرس گواهی شخص حاضر شده
را همانوقت استماع نماید کیفیت حضور او را که بدون دعوت
بوده در صورت مجلس قید میکند.

ماده ۳۲۲ - برای استماع گواهی مأمور در دلت که در
خارج کشور است تقاضای توسط وزیر دادگستری
بوزارت امور خارجه فرستاده میشود که بوسیله یکی از
مأمورین به آن اقدام شده و نتیجه بوزارت دادگستری
فرستاده شود.

ماده ۳۲۳ - دادرس گواه را آگاه میکند که
باید تمام حقیقت را گفته و چیزی برخلاف واقع نگوید و
مجازاتهای را که برای گواهی دروغ در قانون مقرر است باو تذکر
میدهد سپس از هویت او و از هر گونه رابطه خویشی یا منفعتی
که ممکن است با اطراف خصوصی دعوی داشته باشد و از سایر
اوضاع و احوالی که برای اطمینان بصحت اظهاراتش مؤثر
است پرسش نموده و پس از سوگند دادن گواهی او را استماع

و تمام این مراتب را در صورت مجلس قید میکند.
ماده ۳۲۴ - از گواهان جداگانه و بدون حضور
متهم بازجوئی میشود و آنها میتوانند قبل از امضاء اظهارات
خود را بخوانند.

تجدید بازجوئی و مواجهه آنان بایکدیگر و با متهم
جائز است.

ماده ۳۲۵ - دادرس میتواند گواهی را که دعوت
شده و از جهت عذر وجهی نمیتواند حاضر شود در همان
محلی که هست شخصاً یا بوسیله نماینده که میفرستد یا یکی
از مأمورین قضائی آن محل استماع نماید.

اگر گواه حاضر نشود یا عذری که آورده است موجه
نباشد دادرس میتواند در صورت تصویب دادستان او را
جلب کند مگر اینکه دادرس در خارج از مقر دادستان
بانتجام وظیفه مشغول بود و دادستان بانمایند او در آن محل نباشند
که در این صورت تصویب دادستان لازم نیست.

ماده ۳۲۶ - قسمت اول ماده قبل نیز شامل مواردی
است که عده گواهان زیاد بوده و در يك محل مقیم باشند
یا بازجوئی شاگردان آموزشگاهها لازم شود.

ماده ۳۲۷ - در هر مورد که بازپرس میخواهد خارج
از مقر خود بازجوئی کند وقت آنرا بدادستان اطلاع
می دهد.

ماده ۳۲۸ - دستور بازجوئی که بدائره بازپرسی
حوزه دیگری داده میشود بوسیله دادستان آن حوزه ارسال
میکردد و او میتواند کار را بهر يك از بازپرسان که مقتضی
میداند رجوع نماید.

ماده ۳۲۹ - اگر گواه بدون عذر موجه از گواهی
خودداری کند دادرس میتواند مجدداً او را از مسئولیت جزائی
که متوجهش میشود آگاه نموده امر دهد که در حال توقیف
بماند تا دوباره در همان روز یا روز بعد برای گواهی
دعوت شود.

اگر اقدام باین طریقه مقتضی نباشد یا گواه پس از این دعوت باز خود داری نماید دادرس قرار توقیف او را صادر و صورت مجلس تنظیم و برای تعقیب بدادسرا میفرستد. دادسرا از پیش خود هم میتواند اقدام بتعقیب جزائی نماید. اگر گواه قبل از ختم بازجوئی حاضر برای گواهی شود دادرس پس از استماع نظریه نماینده دادسرا قرار منع تعقیب او را میدهد.

ماده ۳۳۰ - در صورتیکه گواه برای حضور مطالبه هزینه مسافرت و توقیف بکند بر طبق تعرفه وزارت دادگستری هزینه داده خواهد شد.

ماده ۳۳۱ - هرگاه شناختن شخص لازم شود دادرس از کسی که او را میشناسد علائم آن شخص را میبرد و در صورت لزوم از او پرسش میکند که خود آن شخص و یا صورت او را که از طریق نقاشی یا عکاسی یا از طریق دیگر تهیه شده بعد از واقعه دیده یا نه و بعد در صورت لزوم دونهفر یا بیشتر که بشخص مطلوب شباهتی داشته باشند با او در یک محل قرار داده میشوند و بقدر امکان سعی میشود که آن شخص بهمان وضعی که ممکن است دیده شده باشد قرار گیرد سپس شخصی که باید او را بشناسد وارد میشود و دادرس از او میپرسد آیا در میان اشخاص حاضر آن شخص را بطور جزم میشناسد یا نه و چنانچه میشناسد کدام يك است و پاسخ های او در صورت مجلس درج میشود.

اگر دادرس از روی اوضاع و احوال گمان کند که شخص دعوت شده برای شناختن ممکن است از روبرو شدن باشخص مطلوب مرعوب شود یا تحت تأثیرات دیگری که محل بکشف حقیقت است واقع گردد میتواند باقید در صورت مجلس تریبی اتخاذ نماید که شخص مطلوب نتواند دعوت شده را ببیند. این حکم در دادرسی قابل اعمال نیست.

ماده ۳۳۲ - هرگاه شناسائی چیزی لازم شود دادرس قبل از ارائه آن از کسیکه ادعای شناسائی میکند مشخصات آن را می پرسد و او باید توضیح دهد که آن چیز را بچه کیفیت و در چه موقع شناخته است پس از این دادرس برای شناختن آن چیز مقررات ماده پیش را تا اندازه که ممکن است اجرا میکند.

ماده ۳۳۳ - هرگاه چند نفر برای شناختن شخص یا چیزی دعوت شده اند از آنها جداگانه بازجوئی میشود و باین مواظبت شود که هر کدام از آنها که اظهارات خود را نمودند ببقیه هیچگونه ملاقات نکرده و ارتباطی پیدا نکنند.

ماده ۳۳۴ - اشخاصی که اظهارات آن ها با یکدیگر اختلاف مهمی دارد ممکن است مواجهه شوند.

مبحث ششم - بازپرسی از متهم

ماده ۳۳۵ - دادرس بدون تأخیر بپایان بازپرسی متهم شروع می کند و بازپرسی متهم توقیفی بر دیگران مقدم است. متهمیکه در توقیف است نزد دادرس بحالت آزادی قرار داده میشود مگر آنکه برای جلوگیری از فرار یا حمله و هجوم احتیاط لازم باشد.

ماده ۳۳۶ - بازپرس قبل از بازپرسی هویت متهم را پرسیده و با او اعلام میدارد که اگر اظهارات دروغی نسبت به هویت خود نماید و یا از ذکر آن امتناع کند بچه مجازاتی میرسد سپس میگوید بچه بزه متهم است.

پرسش باید مفید و روشن باشد و هرگاه متهم پرسش بازپرس پاسخ ندهد مراتب در صورت مجلس قید میشود و بازپرس با اقدامات دیگر که برای کشف حقیقت لازم است مبادرت میکند.

بازپرس در ضمن تعیین هویت متهم قبل از آنکه او مسکن خود را معرفی نماید باو خاطر نشان مینماید که محل اقامتی را که همین میکند محل اقامت قانونی او شناخته شده و هر برگی بآن محل ابلاغ گردیده و آن ابلاغ قانونی محسوب خواهد شد و در صورت تغییر محل باید ۲۴ ساعت قبل بازپرس را کتباً از صد خود مستحضر نموده و مسکن جدید خود را بطور وضوح که بتوان پیدا نمود تعیین نماید.

هرگاه متهم مسکن خود را تغییر داد و بازپرس را مطلع نکرد هر ابلاغی که بمسکن سابق او بشود معتبر محسوب است و اگر تغییر مسکن را اطلاع داد ولی نشانی او واضح و روشن نبود بطوریکه بتوان بر گهار ابلاغ نمود بازپرس در صورت لزوم او را جلب مینماید در هر حال ابلاغ هر برگی بمحل اقامت سابق او قانونی محسوب است.